

Analytical Criticism of Ibn Taymiyyah's Various Doubts Related to the Verse "Maudt"

Seyed Hossein
Shafiei Darabi 

Faculty Member and Assistant Professor, Al-Mustafa
Open University, Head of the Scientific Department of
Tafsir and Qur'anic Sciences, Jamia Al-Zahra, Qom,
Iran

Tayyebeh
Heydari Rad 

level 4th graduate of the Qur'anic Exegesis and Sciences
Department of Al-Zahra Qom Community, Qom, Iran.

Abstract

One of the verses cited by Shiite scholars regarding the obligation of loyalty to the Ahl al-Bayt (PBUH) and obedience to them and proving the Imamate of the Imams is known as the verse of "Maudt". Ibn Taymiyyah is one of the scholars of Ahl al-Sunnah who, by proposing various historical, conceptual, exemplary, literary, and theological doubts, has tried to limit the true meaning of the interpretation of "modeh fi al-qurabi" to maintaining the kinship relationship with the relatives of the Prophet (PBUH) and not harassing them; the implication of this verse is to deny the need for people to refer to Ahl al-Bayt (AS) to know the interpretation of the Qur'an and to accept their Imamate. Therefore, this article was compiled using library sources and in a descriptive-analytical way, with the intention of proving the most fundamental contribution of the Ghadir event; it seeks to answer this question: What are Ibn Taymiyyah's doubts about the verse of Maudt and the criticism of them? Ibn Taymiyyah raised doubts about the surrounding matters of the "Maudt" verse (the honor of the revelation, the place of the revelation, concepts, reasons, and examples, etc.); and the claimant of consensus on the denial of frequent narrations has agreed with the Shiite point of view, and the correctness of Allameh Halli's speech, the implication of definite intellectual evidence and the context of the verse on the Shiite point of view have been doubted and denied.

Keywords: Maudt , Ibn Taymiyyah, Doubt.

* Corresponding Author: haidarerad2010@gmail.com


How to Cite: Shafiei Darabi, S. H., Heydari Rad, T. (2023). Analytical Criticism of Ibn Taymiyyah's Various Doubts Related to the Verse "Maudt", *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 14(52), 169-202.

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودت»

عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه مجازی جامعه المصطفی (ص) و مدیر گروه علمی تفسیر و علوم قرآنی جامعه الزهرا قم، قم، ایران.

سیدحسین شفیعی دارابی 

دانش آموخته سطح ۴ گروه تفسیر و علوم قرآنی جامعه الزهرا قم، قم، ایران.

طیبه حیدری راد  *

چکیده

یکی از آیات مورد استناد دانشوران شیعی در جهت وجوب مودت به اهل بیت (علیهم السلام) و اطاعت از آنان؛ و نیز اثبات امامت ائمه معصومین (علیهم السلام)، آیه ۲۳/ شوری معروف به آیه «مودت» است؛ ابن تیمیه از جمله دانشوران اهل سنت است که با طرح شبهات متنوع تاریخی، مفهومی، مصداقی، ادبی و کلامی؛ تلاش نموده است تا مفهوم واقعی تعبیر «موده فی القربی» را، محدود به حفظ رابطه خویشاوندی با خویشان پیامبر (ص) و عدم آزار رسانی به آنان نماید؛ و دلالت این آیه بر لزوم رجوع مردم به اهلیت (علیهم السلام) برای آگاهی از تفسیر قرآن و دین و پذیرش امامت آن بزرگواران را منکر شود؛ از این رو این نوشتار که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی، به قصد اثبات بنیادی ترین ارمغان واقعه غدیر (یعنی محبت به اهل بیت و قبول امامت آنان) تدوین یافته؛ در پی پاسخ به این پرسش است: شبهات ابن تیمیه درباره آیه مودت و نقد وارد بر آنها چیست؟ یافته‌های پژوهش حاکی از این است که: ابن تیمیه در هریک از امور پیرامونی آیه «مودت»: (شأن نزول، مکان نزول؛ مفاهیم، مدالیل و مصادیق و...)، ایجاد شبهه نموده؛ و مدعی اجماع بر تکذیب روایات متواتر موافق با دیدگاه شیعه گردیده، و درستی گفتار علامه حلّی، و دلالت ادله عقلی قطعی و سیاق آیه بر دیدگاه شیعه را مورد تردید و انکار قرار داده است؛ وی در مقام تفسیر آیه «مودت»، بر منای متعصبانه خویش، به گونه‌ای مرتکب تفسیر به رأی شده که حتی اقوال افراد شاخص مورد وثوق خویش مانند ابن عباس، طبری، حاکم نیشابوری و... را نیز انکار نموده است؛ در ضمن، اموری همچون: وجود اجماع بر قول شیعه، نقل روایات متواتر همخوان با دیدگاه شیعه در منابع معتبر اهل سنت، و... موجب بطلان قول ابن تیمیه و صحّت قول شیعه خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: آیه مودت، ابن تیمیه، شبهات.

* نویسنده مسئول: haidarerad2010@gmail.com

۱. مقدمه

از جمله آیات مورد استناد در باب «ضرورت محبت به اهل بیت (ع)» آیه ۲۳/شوری؛ معروف به آیه «مودت» است: «...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...»؛ که در آن صراحتاً از پیامبر اعظم (ص) خواسته شد: در قبال تلاش‌های دوران رسالتش، از دیگران بخواهد که به خویشان خاصش «مودت» ورزند؛ البته طبق آیه ۴۷ سوره سبأ، پاسخ مثبت گفتن به این خواسته، به سود عاملان خواهد بود. برخی از عالمان اهل سنت، با طرح شبهات، کوشیدند در مفاد آیه «مودت» خدشه نمایند؛ ابن تیمیه حرّانی (۷۲۸ق - ۶۶۱) از مشهورترین آنها محسوب می‌شود. وی کوشیده تا با سوء استفاده از برخی از قواعد ادبی، ادله عقلی، و مباحث کلامی و...؛ با طرح شبهاتی متنوع، پیرامون مفاهیم و مصادیق واژگان کلیدی و شأن نزول آیه، و سند و دلالت روایات ذیل آن، در وجوب مودت به اهل بیت (ع)، و لزوم اطاعت از آن بزرگواران و فضیلت ایشان خدشه وارد کند؛ این پژوهش در صدد است از طریق بررسی و تحلیل تطبیقی دیدگاه مفسران فریقین و اعتبار سنجی اقوال و اسناد متعدد، به نقد مجموعه شبهات ابن تیمیه پیرامون این آیه پردازد؛ روند کتابت این نوشتار بدین صورت است که پس از مفهوم شناسی، واکاوی ارتباط جریان غدیر و آیه مودت، تبیین و نقد شبهات مذکور بر محورهای تاریخی، مفهومی، مصداقی، ادبی و کلامی، مطرح و در پایان نتیجه‌گیری کلی از تحلیل مقایسه‌ای آراء بیان می‌شود. در اهمیت نگاشته پیش‌رو می‌توان خلاء تحقیقات مربوطه را متذکر شد که موجبات نقد شبهات سرشاخه‌های برجسته سلفیه را به صورت مستقل فراهم آورده و آنچه ضرورت تدوین نوشتار حاضر را فراهم آورده مواجهه با شبهات روز وهابیت، سلفیه و شبهه‌پردازان است که در صورت نپرداختن به نقد آنها، اصول دین شیعه زیر سؤال برده می‌شود، و امامت به عنوان فروع دین به مخاطبین شناسانده می‌شود، و تفسیر به رأی متعصبانه جایگزین تفسیر صحیح آیات قرآن خواهد شد و حلقه ارتباطی جریان غدیر و آیه «مودت» و ابلاغ‌گری ضرورت امامت اهل بیت معصوم در امتداد رسالت پیامبر اعظم (ص) مفقود خواهد شد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

شایان ذکر است، در راستای آیه «مودت» افزون بر نگاه‌های تفسیری فریقین، تألیفات مستقلی در قالب عناوین ذیل نیز نگاشته شده:

الف) کتاب‌ها

«رساله مودت، تفسیر آیه مودت» سید محمدحسین حسینی طهرانی؛ نشر علوم و معارف اسلامی مشهد سال ۱۳۸۶؛ «سیمای اهل بیت (ع) در آیه مودت از دیدگاه شیعه و اهل سنت (تفسیر تطبیقی مودت)»، فدا حسین عابدی، نشر بوستان کتاب قم، سال ۱۳۸۷؛ تفسیر آیه الموده؛ اثر سید علی حسینی میلانی، انتشارات مرکزالحقایق الاسلامیه، سال ۱۳۸۸؛ همین کتاب در سال ۱۳۹۰ش، با عنوان «مهرورزی به اهل بیت (ع) از دیدگاه قرآن و سنت» به فارسی ترجمه شده و توسط انتشارات مذکور، نشر یافته است.

ب) مقالات

«پژوهشی در آیه مودت» اثر علی اکبر بابایی چاپ نشریه معرفت، شماره ۴۸ سال ۱۳۸۰؛ «بررسی تطبیقی آیه مودت از منظر شیعه و اهل سنت» اثر سید محمود طیب حسینی و سپیده مقدمی، نشر مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، مقاله ۳، دوره ۹۶، شماره ۹، زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۶۳-۸۴. البته در سایت‌های مختلف، شاهد بارگذاری نگاه‌های تحت عنوان «شبهه ابن تیمیه در شأن نزول «آیه موده» و واژه «القربی» در قالب «پرسش و پاسخ»، و روایات آیه مودت و... نیز، هستیم؛ اما با تتبع صورت یافته مشخص گردید: در هیچ یک از آثار مذکور و همانند آنها، به صورت مستقل، به تبیین و نقد مجموعه شبهات طرح شده توسط ابن تیمیه در جهت نفی دلالت «آیه مودت» بر وجوب «محبت و اطاعت اهل بیت و امامت حضرت علی (ع)» پرداخته نشده؛ تنها در ج ۴ کتاب جواهرالامامه، برخی از شبهات ابن تیمیه، مورد نقد و بررسی قرار گرفته؛ با توجه به خلاء موجود و اهمیت نقد شبهات منکران امامت، تدوین نوشتار حاضر در جهت مورد اشاره، ضروری می‌نماید.

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیہ مربوط به آیه «مودت»؛ شفیعی دارابی و حیدری راد | ۱۷۳

۲-۱. روش پژوهش

این نوشتار، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی تدوین یافته است.

۲. مفهوم‌شناسی

با توجه به اینکه فهم مفاهیم واژگان کلیدی، نقشی والا در طرح و سامان‌دهی پروژه‌های تحقیقاتی دارد، در این قسمت، به تبیین مفهوم واژگان پیش روی، پرداخته می‌شود.

۲-۱. واژه «مودت»

۲-۱-۱. مفهوم لغوی «مودت»

واژه «مودت» از ماده «وَدَّ» به معنای محبت داشتن نسبت به چیزی است. (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۹۹؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳: ۱۵۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۴۵۴) در این میان، ابن فارس (م ۳۹۵ق) و راغب اصفهانی (م ۵۰۲ق) افزون بر معنای پیش گفته، «آرزو داشتن» را نیز یکی از معانی «وَدَّ» دانسته‌اند و بر این باورند که این واژه در هر دو معنا به کار می‌رود، زیرا تمنی، به معنی آرزو داشتن، دریافت کردن چیزی یا متضمن معنای دوستی است و تمایل شدید در به دست آوردن آن دارند (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۷۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۶۰).

۲-۱-۲. مفهوم اصطلاحی «مودت»

علامه حلی (م ۷۲۶ق) فرموده‌اند: مودت مطلوب در «قُربی» یعنی وجوب فضل، معرفت محبت و اطاعت کسانی که سبیل خداوند و مسلک رضوان او هستند (ر.ک؛ حلی، ۱۹۸۲م: ص ۱۷۶) شایان ذکر است در بخش شبهه مفهومی به صورت مفصل‌تری به این بحث پرداخته می‌شود.

۲-۲. واژه «قُربی»

۲-۲-۱. مفهوم لغوی «قُربی»

«قُربی» در اصل، مصدر و از ریشه «قرب» است. بنابر تصریح برخی از ارباب لغت، «قُرب» نقیض «بُعد» است، از این رو قُرب به معنای نزدیکی و بُعد به معنای دوری است. «قرب الشیء» یعنی نزدیکی به آن و «القربابه» و «القُربی» نزدیکی در نسب و خویشاوندی رحمی است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۶۶۵).

راغب اصفهانی (م ۵۰۲ق) نیز با پذیرش این معنا تأکید می‌کند که این واژه، در قرب مکانی، زمانی، نسبی، مقام، منزلت و قرب روحانی به کار می‌رود (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۶۳) مصطفوی (م ۱۴۲۶ه.ق) افزون بر این معانی ذکر شده، قُرب صفاتی و معنوی را نیز مطرح نموده است (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۹: ۲۲۷).

فیومی، دو واژه «قُربی» و «قربت» را مصدر «قرب» می‌داند و در فرق میان آنها بیان می‌کند که «قُرب» در خصوص مکان و «قُربی» در خصوص رحم و خویشاوند به کار می‌رود (ر.ک؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۴۹۵). ابن‌دُرید «قُربی» را نزدیکی شخص به لحاظ نسب مادری یا پدری می‌داند (ر.ک؛ ابن‌دُرید، ۱۹۸۷م: ج ۱؛ ۳۲۴).

۲-۲-۲. مفهوم اصطلاحی «قُربی»

از نظر اصطلاحی، واژه «قُربی» یعنی خویشاوندان نزدیک پیامبر (ص) که عبارتند از: علی، فاطمه، حسن و حسین «علیهم السلام» (ر.ک؛ حلی، ۱۹۸۲م: ۱۷۵) لازم به ذکر است در بخش شبهه مصداقی به صورت مفصل‌تری به این بحث پرداخته می‌شود.

۳. ارتباط آیه مودّت با جریان غدیر

مودّت به «قُربی» و خویشان خاص نبوی، پاداش رسالت آن حضرت است؛ طبق آیه ۴۷ سوره سبأ، اقدام به آن، سودش به خود بشر برمی‌گردد و راه را به سوی خدا هموار می‌سازد. روشن است همواری راه رسیدن به خدا با ادامه خط مکتب پیامبر (ص) به وسیله جانشینان معصومش که همگی از خاندانش هستند، امکان‌پذیر خواهد بود و پایه این

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیّه مربوط به آیه «مودّت»؛ شفیعی دارابی و حیدری‌راد | ۱۷۵

ارتباط، مودّت به آنها است. دوستی و محبت ذوی‌القربی با مسئله ولایت و قبول رهبری اهل بیت در ارتباط است و در واقع، امتداد رهبری حضرت محمد (ص) و ولایت الهیه او است و در پرتو قبول این سرپرستی و ولایت، سعادت انسان‌ها تأمین می‌شود. (ر.ک؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۲۰، ص ۴۰۸ - ۴۱۰).

از یک سو، قطعاً ابلاغ ولایت امام علی (ع) در روز غدیر بخشی از ادای اجر رسالتی است که بر عهده نبی مکرم اسلام (ص) نهاده شد و آیه «مودّت» بیانگر ابلاغ ولایت و وصایت حضرت علی (ع) در ظرف مودّت و طاعت است و با تأمل در آیه «مودّت» و خطبه غدیر از ارتباط تنگاتنگ بین «غدیر» و «مودّت» کشف‌القناع می‌شود. به گونه‌ای که برخی از مفسران، ذیل آیات «... سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ فَإِنَّمَا يَسْرِنَاهُ بِلِسَانِكَ...»/۹۷-۹۶ مریم، از این ارتباط دوسویه و منشأ «مودّت» در «غدیر» پرده برداری نموده و مراد از «ودّاً» را ولایت امیرالمؤمنین (ع) و مرجع ضمیر «ه» در واژه «یَسْرِنَاهُ» را مودّت به آن حضرت و اهل‌بیت عصمت دانسته که در روز غدیر بر زبان پیامبر (ص) جاری گشته و در تأیید قول خود به روایتی از امام صادق (ع) در این مضمون استناد جسته. (ر.ک؛ شریف‌لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۴۶).

در فرازهایی از خطبه غدیر، به الهی بودن نصب ولایت، امامت و افضلیت امام علی (ع) و ائمه معصومین و وجوب طاعت ایشان بر مهاجرین، انصار و تابعین اشاره شده؛ پیامبر (ص) این فرازها را به آیات نساء/۵۹؛ مائده/۶۷ و ۵۵؛ رعد/۷ و مجادله/۲۲ استناد داده و در چندین فراز متوالی درباره صفات دوستاناران ائمه، استناد به آیات انعام/۸۲؛ حجر/۴۶؛ زمر/۷۳؛ غافر/۴۰ و حجرات/۱۵، نمود بارز اجر رسالت پیامبر است که آیه «مودّت» آن را بیان می‌کند.

و از سوی دیگر، همان‌گونه که علامه امینی نوشتند ۱۱۰ نفر از اصحاب پیامبر (ص) حدیث غدیر را ذکر کردند (ر.ک؛ امینی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۱۷) منابع اهل سنت نیز به ذکر خطبه

۱. «أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا قَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ... فَضَلُّوا عَلَيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي... إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَائَتَهُ (فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)»

غدیر اهتمام ورزیده‌اند (ر.ک؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۵۹۸؛ ابن قتیبہ دینوری، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۲۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲: صص ۱۵۶ و ۱۰۸).

۴. شبهات ابن تیمیه درباره آیه «مودت» و نقد آن‌ها

یکی از شگردهای ابن تیمیه برای انکار فضیلت، مودت، اطاعت و ولایت اهل بیت عصمت، طرح شبهاتی متنوع در ذیل آیات مربوطه، بویژه آیه «مودت» است؛ در یک دسته‌بندی کلی، شبهات وی در ذیل این آیه، این‌گونه تقسیم‌بندی می‌شود: ۱. تاریخی؛ ۲. مفهومی؛ ۳. مصداقی؛ ۴. ادبی؛ ۵. کلامی؛ در ادامه این نوشته، به طرح و نقد تحلیلی تک تک آنها پرداخته می‌شود:

۴-۱. شبهات تاریخی

بخشی از شبهات ابن تیمیه در ذیل آیه «مودت»، دارای صبغه تاریخی است که در برگرفته مباحثی همچون: مکی و مدنی بودن آیه «مودت»، زمان نزول و شأن نزول آن است.

۴-۱-۱. شبهه در مورد زمان نزول آیه مودت

اولین شبهه ابن تیمیه از حیث تاریخی، شبهه در زمان نزول آیه «مودت» است که در اینجا، بدان پرداخته می‌شود.

۴-۱-۱-۱. تبیین شبهه و دلایل آن

ابن تیمیه معتقد است: «آیه «مودت» از حیث زمانی، قبل از ازدواج علی با فاطمه (علیهم السلام) و پیش از تولد حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شده است؛ و در زمان نزول آن، نه علی با فاطمه ازدواج کرده بود و نه فرزندی داشته‌اند.» (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۲۶ و ج ۷: ۹۹ و ج ۲: ۱۱۸)؛ وی در ادامه گفتارش، به‌طور مفصل به تشریح تاریخ ولادت امام حسن و امام حسین (علیه‌السلام) پرداخته و گفتار خویش در این راستا را با صبغه تاریخی بیان نموده است.

۴-۱-۱-۲. نقد شبهه

در پاسخ از شبهه ابن تیمیه، مبنی بر لزوم مقدم بودن ازدواج علی و فاطمه (علیهم‌السلام) بر نزول آیه «مودت» می‌توان گفت:

الف) بر فرض پذیرش نزول آیه در مکه، میان نزول آیه و مقدم بودن ازدواج این دو ولی الهی بر آن، ملازمه‌ای نیست؛ چنانکه که میان نزول آیه و مؤخر بودن ولادت فرزندان ایشان - اگر بپذیریم که مؤخر بوده - منافاتی نیست، زیرا آنچه قطعی است و شک بردار نیست این است که آن دو بزرگوار از اقربا و نزدیکان رسول‌الله هستند؛ هم به سبب عمو زادگی علی (علیه‌السلام) هم به واسطه فرزندی فاطمه (علیه‌السلام).

ب) همان‌طور که ازدواج آن‌ها در دفتر قضای الهی ثبت شده بود، آفرینش امام حسن و امام حسین (علیهما‌السلام) از حضرت علی و فاطمه (علیهما‌السلام) نیز چنین بود.

ج) در علم ازلی، مقدر شده بود؛ و در ثبوت حکم و قانونی که به ملاک عام، حال و آینده را شامل می‌شود، وجود همه افراد، هنگام قانون‌گذاری شرط نیست بلکه هر یک از آنان در هر زمان و مکانی به وجود بیایند، حکم درباره او جاری می‌شود.

د) افزون بر آن، ممکن است آیه در مکه ولی در سال حجّه‌الوداع نازل شده باشد که در آن زمان، هم آن‌ها ازدواج کرده و هم امام حسن و امام حسین (علیه‌السلام) متولد شده بودند، بدین جهت، بین نزول آیه در مکه و بودن آن قبل از هجرت، هیچ ملازمه‌ای نیست (ر.ک؛ شفیعی شاهرودی، ۱۳۸۶: ۳۰۶).

۴-۱-۲. شبهه در «مدنی» بودن آیه مودت و نقد آن

دومین شبهه تاریخی ابن تیمیه، مربوط به مکان نزول آیه مودت است؛ که در قالب عناوین ذیل بدان پرداخته می‌شود.

۴-۱-۲-۱. تبیین شبهه و دلایل آن

شبهه تاریخی دیگری که ابن تیمیه (م ۷۲۸ق) در مورد آیه «مودت» مطرح نموده؛ عبارت است از: شبهه در مدنی بودن آیه مذکور و مکی جلوه دادن آن و تکذیب روایات دال بر

مدنیت آن؛ وی برای تثبیت این مدعای خود چنین گفته است: آیه «مودت» در سوره شوری قرار دارد و بدون شک، تمام آیات سوره شوری مکی است، بلکه همه سوره‌های حمیم، بنا بر اجماع، مکی هستند. (ر.ک: ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ص ۱۱۸ و ج ۷، ص ۹۹) ابن تیمیه در بخش دیگری از گفتارش، کوشیده است تمامی روایات فریقین دال بر مدنی بودن آیه «مودت» را دروغ جلوه دهد (ر.ک: ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۷: ۹۹).

۴-۱-۲-۲. نقد شبهه مکانی و اثبات مدنی بودن آیه

(الف) ابن تیمیه برای اثبات مکی بودن آیه «مودت»، ادعای اجماع کرده، در حالی که دلیل و مستندی بر چنین اجماعی وجود ندارد؛ حتی یک نفر هم صریحاً نگفته آیه مکی است تا چه رسد به اتفاق دروغینی که وی ادعا کرده است.

(ب) وجود روایات دال بر مدنی بودن آیه، در منابع معتبر فریقین (ر.ک: دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۴: ۴۵۷؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۶۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹: ۴۴).

(ج) او از اطلاق جمله علما که گفته‌اند: سوره «شوری» مکی است، چنین برداشت کرده که تمام آیات آن مکی است و استثنا نمودن چندین آیه، توسط علما را نادیده پنداشته. (آیات ۲۴-۲۷)؛ این در حالی است که طبق تصریح برخی از مفسران اهل سنت به نقل از ابن عباس و قتاده ۴ آیه از سوره شوری مدنی است که از آیه مودت تا ۲۶ را شامل می‌شود و بقیه آیات، مکی است. (ر.ک: خازن بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۹۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۶: ۲۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۹: ۳۲۲؛ اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۵: ۳۴؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷: ۵۹۴؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲: ۳۳؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۷۴)؛

۴-۱-۳. شبهه در شأن نزول آیه مودت

سومین شبهه تاریخی ابن تیمیه، شبهه در مورد شأن نزول آیه «مودت» است.

۴-۱-۳-۱. تبیین شبهه و دلایل آن

ابن تیمیه مدعی است: «نازل شدن آیه مودت در شأن اهل بیت، سخن دروغی است که

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودت»؛ شفیعی دارابی و حیدری‌راد | ۱۷۹

مستند آن حدیثی است که فقط علامه حلّی آن را بیان کرده‌است. باید صحت این حدیث را مطالبه کنیم زیرا آن گونه که رافضی‌ها گفته‌اند، حدیث در مسند احمد بن حنبل نیامده است. (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۷، صص ۹۶-۹۹).

۴-۱-۳-۲. نقد شبهه

الف) ابن تیمیه کوشیده است تا متن حدیث حاکی از نزول «آیه مودت» در مورد خویشان خاص نبوی را، محدود به نقل علامه حلّی (ره) جلوه دهد؛ و نقل این حدیث توسط دیگر عالمان مسلمان را نادیده گیرد؛ و حال آنکه این گفته وی ادعائی بی دلیل است؛ زیرا به جز افراد معدودی مانند ابن تیمیه، ابن کثیر (ر.ک؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷: ۱۸۴) و (ر.ک؛ قسطلانی، بی تا، ج ۷: ۳۳۱) همه مسلمانان بر صحت حدیث ناظر به شأن نزول آیه «مودت» اتفاق نظر دارند و برخلاف گفته ابن تیمیه، در «مسند» و «فضائل صحابه» ابن حنبل و «صحیح بخاری» نیز ذکر شده‌است. (ر.ک؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۲: ۴۸۹؛ ج ۳: ۱۶۹ و ۱۰۲؛ ابن حنبل، ۱۴۰۳، ج ۲: ۶۶۲؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶: ۱۲۹ و ۴، ۱۷۸). همان طور که در نقد شبهه در مدنی بودن آیه نیز گفته شد، منابع معتبر فریقین متذکر این مطلب شده‌اند؛ مؤلف کتاب جواهر الکلام فی معرفه الامامه و الامام، ۵۶ نفر از اندیشمندان اهل سنت را نام برده که احادیث ناظر به شأن نزول آیه «مودت» در مورد اهل بیت (ع) را در منابع معتبر اهل سنت روایت کرده‌اند (ر.ک؛ حسینی میلانی، ۱۳۹۲: ج ۴، صص ۸-۲۱).

از جمله آنان می‌توان سعید بن منصور (م ۲۲۷ق)، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)، محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)، مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ق)، احمد بن یحیی بلاذری (م ۲۷۶ق)، محمد بن عیسی ترمذی (م ۲۷۹ق)، محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق)، ابوالقاسم طبرانی (م ۳۶۰ق)، ابو عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق)، ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ق)، ابوحیان اندلسی (م ۷۴۵ق)، فخر رازی (م ۶۰۶ق)، ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ق)، ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵ق)، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) نورالدین سمهودی (م ۹۱۱ق)، جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ق)، ابن حجر هیتمی (م ۹۷۳ق) را نام برد که در نقد شبهه مصداقی، به آثار برخی از ایشان اشاره می‌شود.

جمعی از مفسران فریقین به نقل از ابن عباس (که مورد قبول ابن تیمیه است) (ر.ک؛ منهاج‌السنه، ج ۴، ص ۲۶ و صص ۵۶۳ - ۵۶۲) چنین آورده‌اند: عده‌ای از مسلمانان مدینه با آوردن اموال خود به نزد محمد خواستار تشکر و قدردانی از او بودند که آیه مودت نازل شد و محمد از مسلمانان خواست که در ازای هدایت و پیامبری خویش، نزدیکان او را دوست بدارند. گزارش این روایت در آثار مفسران اهل سنت و شیعه آمده‌است. (ر.ک؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷: ۵۲۴؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۹: ۳۲۲؛ اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۵: ۳۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۶: ۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۴۳).

۲-۴. شبهات مفهومی

یکی دیگر از شبهات ابن تیمیه، شبهه در مفهوم دو واژه «مودت» و «قربی» است؛ در این قسمت، به طور مستقل، به طرح شبهات مربوط به هر یک از این دو واژه و نقد آنها می‌پردازیم.

۲-۴-۱. شبهه در مفهوم واژه «مودت»

ابن تیمیه در اولین شبهه مفهومی، واژه «مودت» را مورد هدف قرار داده که در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

۲-۴-۱-۱. تبیین شبهه مفهومی اول و دلایل آن

ابن تیمیه در مفهوم «مودت» ایجاد شبهه نموده تا حکم به عدم وجوب اطاعت و ولایت را نتیجه‌گیری نماید و گفته: «نهایت مفهومی که «مودت» دلالت‌گر آن است دوستی و محبت است نه امامت، افضلیت و اطاعت» (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۱۰۳). وی همچنین گفته: «تفسیر ابن عباس از آیه، در صحیحین، متناقض با حدیث وجوب مودت است زیرا ابن عباس به ابن جبیر گفته: مقصود پیامبر، حفظ رابطه خویشاوندی بوده است که در واقع از مردم خواستند صلح‌رحم داشته باشند و به ارحام او تجاوز نکنند و ابن عباس، معنای «مودت» را محبت و اطاعت ندانسته است از این رو امامت، افضلیت و اطاعت قربی از آیه

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودّت»؛ شیعی دارابی و حیدری‌راد | ۱۸۱

برداشت نمی‌شود». (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ص ۱۰۳ و ۱۰۰).

۴-۲-۱-۲. نقد شبهه مفهومی اول

در خصوص نقد شبهه «مودّت» باید گفت: عدم توجه به سایر روایات منقول از ابن عباس که کاملاً متناقض با نظر شخصی ابن تیمیه است موجب بروز شبهه شده و در نقد شبهه مصداقی مطرح خواهد شد.

مودّت اخص از محبت است و صرف دوستی نیست و اطاعت لازمه آن است (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۳۱؛ حسینی میلانی، ۱۳۹۲؛ ج ۴: ۱۰۹) مودّت و دوستی، مسئله روشنی بوده و آنچه ضرورت نزول آیه با استعمال واژه «مودّت» را پررنگ نموده، توجه دادن مخاطبین به بُعد اخص «مودّت» و مسائل امامت، ولایت و اطاعت است؛ در غیر این صورت، در استعمال واژگان، می‌بایست واژه «رحمه» جایگزین واژه «مودّت» می‌شد.

در راستای این گزینش واژگانی، علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۱/ روم، «مودّت» را به معنای محبتی دانسته است که اثرش در مقام عمل ظاهر شود، در نتیجه، نسبت مودّت به محبت، نسبت خضوع به خشوع است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۶۶) ابن فارس (م ۳۹۵ق) و راغب (م ۵۰۲ق) نیز در تعریف «ودّ» آرزو کردن بقای دوستی را معنا کرده‌است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ص ۷۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱ق: ۸۶۰).

به نظر می‌رسد: طبق تعریف علامه، باید اثر ظاهری «مودّت» در عمل پدیدار گردد که چیزی جز اطاعت‌پذیری و ولایت‌مداری نیست و بر اساس تعریف ابن فارس و راغب نیز می‌توان نتیجه گرفت که مصداق اتم آرزو کردن بقای دوستی، بقا و امتداد ولایت، امامت و اطاعت قربی برای تمام زمان‌هاست نه صرف دوستی در زمان نزول آیه و صدر اسلام؛ شایان‌ذکر است در بحث شبهات کلامی به صورت مفصل‌تری به دامنه این شبهه پرداخته خواهد شد.

۴-۲-۲. شبهه در مفهوم واژه «القربی»

دومین شبهه مفهومی، شبهه در مفهوم واژه «القربی» است که در ذیل، تبیین و نقد می‌شود.

۴-۲-۲-۱. تبیین شبهه مفهومی دوم و دلایل آن

ابن تیمیه افزون بر شبهه در مفهوم «مودت»، در مفهوم «القربی» نیز ایجاد شبهه نموده؛ به عقیده ابن تیمیه، دخول الف و لام تعریف بر واژه «القربی» بیانگر این است که مراد از «قربی» باید نزد مخاطبان معلوم باشد. حال آنکه در شبهه زمانی گفته شد که هنگام نزول آیه، نه ازدواج قربی صورت گرفته بود و نه حسنین متولد شدند از این رو ممکن نیست ایشان، قربی و خویشاوندان مورد خطاب و شناخته‌شده پیامبر باشند؛ زیرا اهل بیت پیامبر هنگام نزول آیه، وجود نداشتند تا معروف باشند؛ برخلاف قربی و خویشاوندانی که پیش روی پیامبر بودند و نزد مردم شناخته‌شده و معلوم بودند. (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۹۹).

۴-۲-۲-۲. نقد شبهه مفهومی دوم

همان‌طور که در نقد شبهه زمانی گفته شد، در پاسخ از شبهه به مفهوم «القربی» در رابطه با عدم حضور معصومین به وقت نزول آیه و معروف نبودنشان در آن هنگام می‌گوییم: وجود ایشان برای صدور حکم ضروری نیست و وجود مقدر و مضبوط آن‌ها در لوح محفوظ و یا در آینده کفایت‌گر است.

در قرآن، آیات فراوانی وجود دارد که حکم آن‌ها مخصوص زمان نزول نیست و نسل‌های بعدی را نیز شامل می‌شود مانند آیات وصایت (بقره/۱۸۰) و حدیث امام صادق «ع»: «...القرآن یجری کما یجری اللیل والنهار و کما یجری الشمس والقمر و یجری علی آخرنا کما یجری علی اولنا» نیز مبین این مطلب است (ر.ک؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۲۳۱ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۴۸۴).

می‌توان گفت: برعکس مدعای ابن تیمیه، چون اهل بیت «ع» برای مخاطبین هر عصری شناخته‌شده هستند «قربی» با «ال تعریف» بیان‌شده تا هرگونه شبهه‌ای مبنی بر عدم شناخت ایشان را بزداید.

از طریق قاعده اصولی اطلاق می‌توان فهمید، برای مسلمانان آن زمان، معلوم بوده مقصود از «القربی» در این آیه، خویشان نزدیک نبی اکرم (ص) است و سؤال آنان از تعیین

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودت»؛ شفیعی دارابی و حیدری‌راد | ۱۸۳

افراد آن بوده است و از این که حضرت، در مقام بیان افرادی از خویشاوندان خود، در پاسخ سؤال آنان، تعیین مصداق نموده که فقط همان چهار نفر مصداق «القربی» بوده‌اند نه سایر خویشاوندان حضرت؛ و به اصطلاح، روایات، به اطلاق مقامی دلالت می‌کنند که جز آن چهار نفر هیچ یک از خویشاوندان حضرت که در آن زمان می‌زیسته‌اند، مشمول این آیه نبوده‌اند، زیرا اگر غیر از آنان شخص دیگری از افراد موجود در آن زمان مراد بود، پیامبر (ص) نام او را نیز ذکر می‌کرد.

همان‌طور که در بحث مفهوم‌شناسی ذکر شد؛ برخی از لغویان، «قربی» را در نزدیکی شخص به لحاظ نسب مادری یا پدری (ر.ک؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷م: ج ۱؛ ص ۳۲۴)؛ و در خصوص رحم و خویشاوند تعریف کرده‌اند (ر.ک؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۸۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۶۶۵؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۴۹۵). با توجه به این تعاریف، مفهوم حقیقی و روشن «قربی» خویشاوندان رحمی و نسبی پیامبر «ص» است که مصداق اتم آن اهل بیت طهارت «ع» است؛ علیرغم این، ابن تیمیه در این راستا به قول لغویان شافعی مذهب اهل سنت مانند ابن‌درید (م ۳۲۱ق)، ابن‌فارس (م ۳۹۵ق) ابن‌منظور (م ۷۱۷ق) و فیومی (م ۷۷۰ق) نیز اعتنایی نکرده و قول وی در تعارض با اقوال ایشان است.

۴-۳. شبهه مصداقی

از دیگر شبهاتی که ابن تیمیه نسبت به مفاد آیه «مودت» وارد کرده، شبهه در مصادیق واژه «القربی» است که در ذیل مطرح و نقد می‌شود.

۴-۳-۱. تبیین شبهه مصداقی و دلایل آن

ابن تیمیه می‌گوید: «عده‌ای از نویسندگان اهل سنت، جماعت و شیعه اعم از پیروان احمد و دیگران نقل کرده‌اند: وقتی این آیه نازل شد، از پیامبر پرسیده شد: ای پیامبر مراد از اهل بیت کیست؟ فرمود: «علی و فاطمه و ابناهما؛ علی و فاطمه و دو فرزند آنان»؛ ولی باید گفت این روایت به اتفاق حدیث شناسان دروغ است و در مسند احمد بن حنبل ذکر نشده است»؛ (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۲۵۰؛ ج ۵: ۹۷ و ج ۷: صص ۹۸-۹۶).

وی در ادامه چنین نوشته: «در صحیح بخاری از سعید بن جبیر این گونه آمده است: از ابن عباس درباره آیه مودّت سؤال شد که منظور از مودّت به قربی و نزدیکان، چیست و چه کسانی هستند؟ من گفتم: منظور این است که نزدیکان محمد (ص) را دوست داشته باشید. ابن عباس گفت: در پاسخ شتاب کردی! به راستی تیره‌ای از قریش نبود مگر این که برای رسول خدا (ص) در آن‌ها پیوند خویشاوندی بود که آن حضرت فرمودند: «مگر این که در خویشاوندی میان من و خودتان به من مهرورزی نمایید» (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۱۰۰؛ ج ۴: ۲۶)؛ ابن تیمیه پس از نقل این حدیث می نویسد: «ابن عباس از بزرگان اهل بیت و داناترین آن‌ها به تفسیر قرآن بوده است و این تفسیر نیز از او درباره این آیه ثابت شده است» (ر.ک، منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۶ و صص ۵۶۳ - ۵۶۲).

نکته شایان توجه اینکه وی در مصداق «أجر» نیز تردید نموده و با منقطع شمردن استثناء، «مودّت قربی» را مصداق اجر محسوب نکرده. (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، صص ۱۰۳-۱۰۲).

۴-۳-۲. نقد شبهه مصداقی

نقل متواتر روایات صحیح بیانگر مصادیق آیه «مودّت» از طریق شیعه مبنی بر دخول اهل بیت، اصحاب کساء و ائمه اطهار ذیل ذکر مصادیق آن و عدم ذکر رابطه خویشاوندی. (ر.ک؛ طوسی، بی تا: ج ۹، ص ۱۵۸. طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۴۸. فرات الکوفی، ۱۴۱۰ق: صص ۳۸۸-۳۹۹. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۱۳).

ابن تیمیه، دلیلی بر درستی اجماع خود ندارد و در نتیجه این ادعایش، چیزی بیش از دروغ نیست.

عدم انکار احدی از مسلمانان بر نزول آیه مودّت درباره منزلت امام علی، همسرش و فرزندان. (ر.ک؛ حسینی میلانی، بی تا: ۲۶۵) از این رو برخلاف ادعای ابن تیمیه، بر صدق سخن علامه حلی (م ۷۲۶ق) که مصادیق بارز «القربی» را اهل بیت دانسته صحه گذاشته می شود. (ر.ک؛ حلی، ۱۹۸۲م: ۱۷۵).

تعارض قول ابن تیمیه با اقوال مفسران اهل سنت؛ زیرا در احادیث منقول از اهل سنت،

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودت»؛ شیعی دارابی و حیدری‌راد | ۱۸۵

مصادیق «قربی» امام علی، حضرت زهرا و فرزندان ایشان هستند که برخلاف نظر ابن تیمیه است. (ر.ک؛ ابن حنبل، ۱۴۰۳ق:ج ۲، ۶۶۹؛ بخاری، ۱۴۲۲ق:ج ۴، ۱۷۸؛ عینی، بی تا: ج ۱۶، ۲۲۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق:ج ۴، ۱۴۲؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۲۹۵؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق:ج ۷، ۱۰۳ و ج ۹، ۱۶۸؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۱، ۴۴۴ و ج ۳، ۴۷؛ کشاف، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۴۶۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۷، ۵۹۵؛ حاکم حسکانی، بی تا: ج ۲، ۱۹۴؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۲، ۴۴۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ۳۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۳، صص ۳۱-۳۴؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۰۱؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴م: ج ۲، ۱۶۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۴۲، صص ۶۶-۶۵ و ج ۵۷، صص ۲۴۶-۲۴۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ۵۳۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۸، صص ۳۱۴-۳۰۸)؛

متناقض بودن سخن ابن تیمیه با گفتار برخی از مفسران اهل سنت در نتیجه گیری از روایات؛ طبری و ابن کثیر (که در نفی ارتباط آیه مودت با اهل بیت) با ابن تیمیه هم عقیده هستند؛ در آثار خود نقل کرده اند. بعد از واقعه کربلا در ماجرای شام، امام سجاد «ع» مصداق «قربی» در آیه مذکور را اهل بیت شمرده است (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۷، ۲۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۷، ۱۸۳؛ عقیلی، ۱۴۳۵ق: ج ۱، ۱۲).

فراز پایانی آیه ۲۳ شوری «...وَمَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» وعده الهی به مؤمنینی است که در ازای کسب «حسنه»، از افزایش نیکی ها و غفران برخوردار می شوند؛ در منابع فریقین، مصداق این «حسنه» به نقل از ابن عباس، «مودت اهل بیت» معرفی شده است. (ر.ک؛ حاکم حسکانی، بی تا: ج ۲، ۲۱۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۸، ۳۱۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ص؛ هیشمی، بی تا: ج ۲، ۴۸۸؛ ابن عدی جرجانی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ۴۹۰؛ تستری مرعشی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، صص ۳-۲) بنابراین بر اساس قرائن متصله سیاق، می توان مصداق قربی بودن اهل بیت «ع» را نتیجه گرفت.

استثنای مذکور در آیه (تعبیر «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى») متصل است نه منقطع و «مودت قربی» از مصادیق اجر است که مفسران اهل سنت نیز به آن پرداخته (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۳، ص ۳۱) و برخی هر دو وجه را جایز دانسته اند. (ر.ک؛

زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۲۱۹؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۷، ۵۹۴) و به عقیده برخی از محققان معاصر، استثناء از هر نوعی که باشد تفاوتی ندارد زیرا در هر دو صورت، وجوب «مودتِ قریبی» برداشت می‌شود. (ر.ک؛ حسینی میلانی، ۱۳۹۲، ج ۴: ۷۴) البته طبق گفته برخی از کارشناسان در حوزه دانش «نحو»، بر اساس اصالة الحقیقه، اصل در باب «استثناء»، استثنای متصل است و استثنای منقطع، مجازی و برخلاف اصل است (ر.ک؛ تستری مرعشی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۲۱) علامه طهرانی نیز با استناد به دلایل ذیل، مقصود از مودت را موالات اهل بیت پیامبر دانسته و منقطع بودن استثناء را نپذیرفته است: دخیل نبودن حب و بغض شخصی در دعوت پیامبر و تابع اراده الهی بودن وی، عمومی بودن دعوت پیامبر و عدم اختصاص آن به قریش و غیر قریش، منقطع بودن «الا» مساوی با حمل نمودن بر معنای «بل»؛ إضرابیه است که تحقیقاً خلاف ظاهر است و بدون قرینه قطعیه نمی‌توان خلاف ظاهر را اراده کرد و «إلّا» را در معنای «بل» استعمال نمود. (ر.ک؛ حسینی طهرانی، ۱۳۹۱ق: ص ۷۷ و ۸۱) در نقد شبهه دلالتی، بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.

۴-۴. شبهه ادبی

یکی دیگر از شبهات ابن تیمیه ذیل آیه «مودت» شبهه ادبی است که در ذیل مطرح و نقد می‌شود.

۴-۴-۱. تبیین شبهه و دلایل آن

ابن تیمیه از طریق دو نکته ادبی؛ یکی عدم دخول حرف «ل» و واژه «ذو» بر سر کلمه «قریبی» و دیگری: جایگزین شدن حرف «فی» به جای حرف «ل»، عدم اراده ذوی القربی را نتیجه گرفته است (ر.ک؛ ابن تیمیه، بی تا، ج ۷: ۱۰۱).

به عقیده وی، برای درخواست محبت به ذوی القربی، باید حرف «ل» استعمال شود نه حرف «فی»؛ و جمیع موارد بیانگر حقوق ذوی القربی پیامبر در قرآن با حرف «فی» استعمال نشده است بلکه به صورت «ذی القربی» (انفال/۴۱؛ حشر/۷) یا «ذالقریبی» (روم/۳۸) یا «ذوی القربی» (بقره/۱۷۷) به کار رفته است.

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودت»؛ شفیعی دارابی و حیدری‌راد | ۱۸۷

وی بر این اساس، نتیجه گرفته: در آیه مودت، مصدر «قربی» بدون اسم «ذو» استعمال شده که دال بر عدم اراده «ذوی القربی» و عدم احقاق حقوق ایشان است. (ر.ک؛ ابن تیمیه، بی تا: ج ۷، ۱۰۱).

۴-۴-۲. نقد شبهه ادبی

در پاسخ به شبهه ادبی، خواننده را به اقوال مفسران هم‌مسلك با ابن تیمیه که در پی نقد این شبهه برآمدند ارجاع می‌دهیم تا تحلیل نادرستی قول وی تبیین گردد؛ و آن اینکه: در اینجا آن گونه که «لام» در «إِلَّا الْمَوَدَّةَ لِلْقَرَبِيِّ» صله است، حرف «فی» صله برای مودت نیست، بلکه حرف «فی» به واژه محذوفی متعلق است که ظرف بدان متعلق شده؛ مانند «المال فی الکیس؛ مال در کیسه است». بدین جهت، مفاد تقدیری فراز «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقَرَبِيِّ» چنین است: «مگر مودتی که ثابت در قربی و متمکن در آنهاست».

ضمناً، طبق گفته زمخشری، واژه «قربی» همانند واژه‌های «زلفی» و «بشری» مصدر و به معنای قرابت است و منظور از آن، اهل قربی و خویشاوندان پیامبر است. (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۲۱۹) و فخررازی نیز گفته است: «در واقع با آمدن حرف «فی» مکان و مقری برای مودت قراردادند که ظرف آن، محبت شدید به قربی است». (ر.ک؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۷، ۵۹۶). افزون بر هم مسلکان ابن تیمیه، اندیشمندان شیعی نیز حمل «فی» را بر معنای لام تعلیل، معنی خلاف ظاهر برشمردند و بدون قرینه قطعی نمی‌توان لفظی را از معنی اولی و حقیقی به معنی ثانوی و مجازی حمل نمود (ر.ک؛ حسینی طهرانی، ۱۳۸۶ق: ۷۴؛ شرف‌الدین عاملی، ۱۳۷۷ق: ۴۸).

۴-۵. شبهات کلامی

دسته دیگری از شبهات ابن تیمیه پیرامون آیه «مودت»، طرح شبهات کلامی است که در ذیل به بررسی و نقد دو نوع از آن پرداخته می‌شود.

۴-۵-۱. شبهه کلامی اول: عدم انحصار وجوب مودت در اهل بیت (ع)

ابن تیمیه پس از تردید در واژگان، مفاهیم و مصادیق آیه، از طریق طرح مسائل کلامی در دلالت و محتوای آیه نیز ایجاد تردید نموده و از طریق انکار انحصار وجوب مودت در اهل بیت پیامبر (ص)، وجوب این حکم را در حق صحابه ثلاثه، تعمیم و توسعه داده که در ذیل بررسی خواهد شد.

۴-۵-۱-۱. تبیین شبهه کلامی اول و دلایل آن

ابن تیمیه می‌گوید: «اینکه گفته شده طبق آیه «مودت» دوستی و مودت اهل بیت واجب است، اشتباه است؛ زیرا رافضیون بر اساس این آیه معتقدند مودت علی واجب است و مودت صحابه غیر از علی و صحابه ثلاثه، واجب نیست پس علی افضل و امام است و مخالفت با او با مودت تنافی دارد و مودت او امثال او امرش است پس واجب اطاعه است و معنی امامت همین است» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۹۵).

وی سخن علامه حلی را که معتقد است آیه «مودت» در شأن اهل بیت نازل شده، سخن دروغی دانسته و آن را تکذیب و صحت حدیث وجوب مودت را انکار کرده است.

(ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۷، صص ۹۹-۹۶ و ج ۲: ۲۵۰)

وی همچنین گفته است: الهی بودن منصب رسالت لازمه اش عدم طلب اجر (ص/۸۶؛ طور/۴۰) و عدم وجوب مودت قریبی است و پاداش آن بر عهده خداست و پیامبر در مقابل تبلیغ، هرگز مزد و اجری را از مردم طلب نمی‌کند و نفع اجر به سود خود مردم (سبأ/۴۷) و راهی به سوی خداست (فرقان/۵۷). (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۴، ص ۲۶ و ج ۷، ص ۱۰۳-۱۰۲).

وی در ادامه، منقطع بودن استثناء موجود در آیه را دال بر این دانسته است که محبت اهل بیت، اجر پیامبر نیست زیرا هر فردی این محبت را اجر پیامبر بداند خطای عظیمی مرتکب شده، چون در واقع، ثوابی به ما داده نمی‌شود و اجر رسالت او را که استحقاقش را داشته به او عطا کردیم و هیچ مسلمانی قائل به این مطلب نیست. (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۱۰۲).

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودّت»؛ شفیعی دارابی و حیدری‌راد | ۱۸۹

از نظر وی، این اجر در واقع مثل سایر عباداتی است که خدا ما را به آنها مأمور کرده است. گرچه محبت اهل بیت واجب است اما از این آیه، اثبات نمی‌شود و در صحیحین و مسند، احادیثی بر تأکید پیامبر بر اهل بیت در غدیر خم و عدم دخول به بهشت، مگر از طریق محبت اهل بیت پیامبر دلالت می‌کند. (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۱۰۳).

ع-۵-۱-۲. نقد شبهه کلامی اول

وجود اجماع بر وجوب مودّت و اطاعت اهل بیت؛ به گونه‌ای که علامه حلی فرمودند: احدی در آن شک نکرده مگر متکبران و در کتب معتبر اهل سنت نیز روایات متواتری در این راستا ذکر شده است. (ر.ک؛ حلی، ۱۹۸۲م: ۱۷۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۷؛ محب طبری، ۱۳۵۶ق، صص ۱۳۸ و ۲۵).

وجود اجماع بر صحت حدیث منقول از علامه حلی؛ که در نقد شبهه شأن نزول مطرح شد.

حکم به وجوب مودّت اهل بیت به عنوان پاداش رسالت از سوی خدا و به لسان پیامبر «ص» جاری شده. با توجه به دروغ گو نبودن پیامبر (احقاف/۸) از روی هوس سخن نگفتن او (نجم/۳) و وحیانی بودن کلام او (نجم/۴) نه تنها وجوب مودّت ثابت می‌شود بلکه مطلبی فراتر از وجوب مودّت از آیه به دست می‌آید که بیانگر الهی بودن منصب امامت است.

مطابقت پیوند مفهومی و لفظی آیه «مودّت» با آیات دیگر؛ به گونه‌ای که ۱۵ بار استعمال آن در قرآن، همگی به معنای پیوند خویشاوندی است و اهل بیت از خویشاوندان نزدیک پیامبر «ص» هستند.

اذعان، اعتراف و اقوال مفسران و عالمان اهل سنت در اشعار و آثار خود ذیل دلالت آیه «مودّت» به اثبات وجوب مودّت اهل بیت پیامبر (ص) بر هر مسلمانی، مؤیدی بر رد ادعای ابن تیمیه است؛ تا حدی که معیار صحت نماز را ذکر صلوات بر اهل بیت، شمردند؛ از جمله این اندیشمندان، می‌توان افراد ذیل را نام برد: امام شافعی (ر.ک؛ شافعی، بی تا: ۱۰۲، شعر شماره ۱۲۳) ابن حجر هیتمی (ر.ک؛ هیتمی ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۴۸۸) ابن صباغ

مالکی (ر.ک؛ ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۶) شیخ حسن بن علی السقاف (ر.ک؛ سقاف، بی تا: ۶۵۶) زمخشری، فخر رازی و ابن عربی (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۲۲۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۷، ۵۹۵؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۲۳۲).

به عقیده علامه طباطبایی، منظور از وجوب مودت اهل بیت و اجر رسالتی آن، تأکید به، مرجعیت علمی اهل بیت، ارجاع مردم به ایشان، تداوم دعوت به هدایت، جنبه معنوی هدف و عدم اتکاء منافع مالی اهل بیت پیامبر به مردم است، و به این ترتیب، مردم، معارف دین را تنها از اهل بیت آموزش خواهند دید. و همان گونه که در نقد علامه بر شبهه مصداقی بیان شد، با توجه به متصل بودن استثناء مذکور در آیه، مودت به ذی القربی را باید به طور ادعا، از مصادیق اجر دانست (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۸: ۴۷ و ۴۹) بنابراین مقصود از اجر، معنای حقیقی و مادی آن نیست تا اشکال مذکور وارد شود بلکه مراد از آن، معنای مجازی و معنوی است که رجوع به اهل بیت و کسب علوم، معارف و هدایت از ایشان است.

آیت الله جوادی آملی نیز نوع درخواست در آیه «مودت» را درخواست تألیفی - ترکیبی از استعطایی و توییخی دانسته که عدم پاسخ مثبت به آن، توییخ به همراه دارد و «مودت» یک امر قلبی است و مبادی آن، که معرفت است باید فراهم شود. (ر.ک؛ سایت جوادی آملی، درس خارج، تفسیر شوری/۲۳)

۴-۵-۲. شبهه کلامی دوم: نفی ترتب فضیلت و امامت بر وجوب مودت و موالات امام علی (ع)

دومین شبهه کلامی ابن تیمیه، شبهه در جهت نفی ترتب فضیلت و امامت بر وجوب مودت و اطاعت امام علی (ع) که در ذیل، واکاوی و نقد خواهد شد.

۴-۵-۲-۱. تبیین شبهه کلامی دوم و دلایل اثبات آن

وی معتقد است: بر فرض اینکه، وجوب مودت و اطاعت علی را بدون استدلال به آیه بپذیریم؛ اما این وجوب، سبب فضیلت و امامت نمی شود زیرا خداوند، خلفای سه گانه را نیز

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودت»؛ شفیعی دارابی و حیدری‌راد | ۱۹۱

دوست دارد و به تبع مودت و اطاعت آنان نیز واجب می‌شود و به نص صریح قرآن، مورد رضایت خداوند هستند و هر کس افضل باشد مودتتش اکمل است که به نظر جمهور، وجوب مودت خلفای سه‌گانه، بیش از مودت علی است وی به روایت نبوی استناد داده که فرمودند: «اگر دوستی از اهل زمین می‌گرفتم قطعاً ابوبکر را می‌گرفتم و اما مودت اسلام را گرفتم.» (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۷، صص ۱۰۷-۱۰۳) به‌طور کلی، وی با استناد به نص قرآن، روایت نبوی و قول جمهور، وجوب مودت اکمل و برتر، موالات و افضلیت خلفای سه‌گانه و مرضی خداوند بودن آنها را ادعا کرده‌است.

۴-۵-۲. نقد شبهه کلامی دوم

در نقد این شبهه، خواننده محترم به نقود سابق ارجاع داده می‌شود و ادعای اجماع دروغین و بدون مستندی نموده که حتی معارض با اقوال سلفیه و اهل سنت است که متعصبانه آنها را طرد نموده‌است.

تفسیر ابن تیمیه از مورد رضایت خدا واقع‌شدن همه صحابه به‌صورت مطلق و همیشگی و اطاعت از آنان، صرف تفسیر به رأی است و آیه مذکور (توبه/۱۰۰) که علاوه بر منهاج‌السنه در جای دیگری نیز به آن استناد داده (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق: ج ۱، صص ۲۶۸-۲۶۱) فقط در بیان تکریم صحابه آن زمان است که در اطاعت از پیامبر، پیشی گرفتن و «من» موجود در آیه، تبعیضیه است نه بیانی از این‌رو همه سلف را شامل نمی‌شود (ر.ک؛ ابن عاشور، بی‌تا: ج ۱۰، ۱۹۳-۱۹۱؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۴۵۳؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۵۲۴) افزون بر آن در تعارض با سایر ادله عقلی، تاریخی و نقلی اعم از آیات (احزاب/۳۳؛ مائده/۵۴، توبه/۹۶؛ فتح/۱۸) و روایات (ر.ک؛ ابن اثیر، ۱۳۸۹ق: ج ۱۰، ۴۶۸ و ج ۲، ۴۳۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۱، ۳۴) است و به اذعان مفسران اهل سنت رضایت مقطعی که با فعل ماضی بیان‌شده، دال بر رضایت مطلق و همیشگی نیست و جمله «رضی الله عنهم» جمله دعایی و انشائی نیست بلکه جمله اخباری از زمان نزول است نه برای همیشه و مطلق همه صحابه. (ر.ک؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ۱۷۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۶، ۱۳۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۳۰۵؛ ابوحیان اندلسی، ج ۵، ۴۹۵-۴۹۶؛ دعاس، ۱۴۲۵ق: ج ۲،

۵؛ ابن عاشور، بی‌تا: ج ۱۰، ۱۹۳-۱۹۱؛ درویش، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۱۶۵) به عقیده مفسر برجسته شیعه، رضایت، مطلق نیست و مقید به شروط ایمان و عمل صالح شده و از اوصاف فعلی خداوند است نه اوصاف ذاتی، لذا قابل تغییر است و ممکن است متصفان به رضایت، در برهه زمانی دیگری مورد خشم خدا قرار گیرند. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، صص ۳۷۶-۳۷۲).

جواب نقضی مبنایی به وی این است که اگر فضیلت امامت، مرتب بر مودت نیست چگونه است که وی در آثارش از وجوب مودت خلفای سه گانه و فضیلت مطلق سلف بر سایر مسلمانان سخن گفته (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق: ج ۱، ص ۲۶۱ و ۲۷۱).

وجود آیات مباحله (آل عمران/۶۱) تطهیر (احزاب/۳۳) شراء (بقره/۲۰۷) اطعام (دهر/۸۹) اطاعت اولی الامر (نساء/۵۹) و روایات متواتر ثقلین، منزلت، طیر مشوی، دال بر فضیلت اهل بیت در منابع فریقین برخلاف مدعای اوست و اثباتگر فضیلت و امامت خاندان آل عصمت هستند. (ر.ک؛ شیانی، ۱۴۰۰ ق: ج ۲، ۵۶۵؛ قندوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۷۴؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ۶۳۶).

ادله عقلی قطعی نیز ایجاب می‌کند امامی که در امتداد راه رسالت است قبل از هر چیز، مودت و طاعت او بر مردم واجب شود و از افضلیت و عصمت برخوردار باشد؛ ابن تیمیه که معتقد به عدم تعارض بین نقل و عقل صریح است چگونه در مقام عمل به آن ملتزم نشده و نقل ضعیف را بر عقل صریح ترجیح داده. (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۷ق: ج ۱، ۱۴۷).

برخی از اندیشمندان برجسته اهل سنت به وجوب امامت افضل بر مفضول اذعان و به وجود ارتباط بین فضیلت و مودت اشاره نموده و عقیده خود مبنی بر عدم ولایت مفضول با وجود افضل را تبیین کردند (ر.ک؛ ایچی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۶۲۲؛ محب طبری، بی‌تا: ج ۱، ۲۱۶).

نقل روایات متواتر اهل سنت مبنی بر لزوم متابعت و تمسک مردم در حوادث واقعه به اهل بیت عصمت در حدیث سفینه و باب علم (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۷: ۱۶۷).

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودت»؛ شفیعی دارابی و حیدری‌راد | ۱۹۳

افزون بر اندیشمندان سنی، علامه حلی (م ۷۲۶ق) متکلم برجسته شیعه، و جوب مودت را مستلزم و جوب طاعت دانسته‌اند (ر.ک؛ حلی، ۱۹۸۲م: ۱۷۵) و مستشکل که عقل را بت و متکلمان عقل‌گرا را ملحد و بدعت‌گذار خوانده و مقید به ظاهر‌گرایی تفسیر آیات است چگونه به سخنان متکلمان شیعی وقعی می‌نهد؟! (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۷ق: ج ۱، صص ۱۷۴-۱۷۳؛ ابن تیمیه، ۲۰۰۲م: ص ۷۶-۸۰).

امام باقر «ع» در روایتی به وجوب این محبت و مودت به محمد (ص) و اهل‌بیتش از جانب خدا سوگند خورده (ر.ک؛ برقی، بی‌تا، ج ۱: ۱۴۴) که بیانگر اهمیت و ارزشمندی مسئله است که امام معصوم، برای آن سوگند خورده و اهل بیت اگر از فضیلت و شایستگی برخوردار نباشند از سوی خدا و به لسان امام، حکم به وجوب طاعت آن‌ها داده نمی‌شود.

در مقابل روایت دوستی پیامبر با ابوبکر، روایتی در کتب معتبر اهل سنت مبنی بر دوست داشتن حسنین از سوی پیامبر نقل شده است (ر.ک؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵: ۲۶) افزون بر آن دوستی و مودت امام علی و اهل بیت نص صریح قرآن بر آن دلالت دارد نه روایات جعلی و ضعیف.

علامه طهرانی نیز با استناد به روایات متواتر اهل سنت، مودت را ملازم با متابعت همه جانبه اهل بیت دانسته و ایشان را یگانه حاملان علوم مبقیه حضرت رسول دانستند. (ر.ک؛ حسینی طهرانی، ۱۳۸۶: ۸۳).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از این پژوهش به قرار ذیل است:

ابن تیمیه با طرح شبهاتی تاریخی، کلامی، ادبی پیرامون آیه «مودت»، و با استناد به اجماعی دروغین، متهم نمودن علمای شیعه به دروغ؛ و نیز با ادعای عدم صحت روایات حاکی از شأن نزول مورد قبول شیعیان، کوشیده‌است، مسئله امامت اهل بیت (علیهم السلام) (که یکی از اصول اعتقادی شیعه و بنیادی‌ترین ارمغان غدیر (امامت) محسوب می‌شود) را زیر سؤال برده و تفسیر متعصبانه‌ای از آیه «مودت» ارائه نماید؛ به گونه‌ای که حتی اقوال صحابه سلفی که در تعارض با رأی شخصی اوست را پذیرفته و اقوال ابن عباس، طبری،

ابن حنبل و نیشابوری که معارض با دیدگاهش بوده‌اند را علیرغم اینکه بارها از ایشان تمجید نموده است نیز کنار زده، و بستر را برای تقدم ادله نقلی ضعیف بر ادله عقلی قطعی و نص قرآن فراهم نموده‌است؛ وی «قربی» را به خویشاوند و «مودت» را حفظ رابطه خویشاوندی و عدم آزار و اذیت نسبت به پیامبر در امر تبلیغ رسالت، تفسیر نموده و ادعاء وجود تناقض گویی در گفتار و اندیشه علماء شیعه را دامن زده درحالی که روایات متواتر منقول در منابع معتبر اهل سنت، در تعیین مصادیق آیه مودت، با رأی شیعه وفاق دارد؛ البته مفسران شیعه، با استناد به آیات قرآن، روایات منقول از منابع معتبر اهل سنت، اقوال لغویان فریقین؛ و با اتکاء به سیاق، قرائن متصل و منفصل، و با لحاظ پیوند مفهومی، لفظی و محتوایی آیه «مودت» با سایر آیات و ادله عقلی و... معتقدند: اجر رسالت پیامبر باید همسو با مقام رسالت و تبلیغ دین باشد و «قربی» را به «اهل بیت پیامبر» و «مودت» آنان را به پذیرش ولایت ایشان و تداوم ولایت الهیه حضرت ختمی مرتبت از جریان ماندگار غدیر تا عصر حاضر تفسیر کرده‌اند؛ و بر این نکته تصریح و تاکید دارند که چنین باوری، همخوان با رسالت نبوی و اساسی ترین آورده غدیر (امامت) است و سبب سعادت و تداوم هدایت انسان‌هاست؛ و وجوب مودت و اطاعت انحصاری اهل بیت، دال بر وجود ارتباط تنگاتنگ و دوسویه غدیر با امامت ائمه (علیهم السلام) و معطوف شدن به فضائل ایشان است.

ORCID

Seyed Hossein Shafiei

Darabi

Tayyebbeh Heydari Rad



<http://orcid.org/0000-0002-3172-3725>



<http://orcid.org/0000-0003-2943-9618>

منابع

- قرآن. ترجمه مكارم شيرازى.
- ابن اثير، ابوسعاد مبارك بن محمد. (١٣٨٩). *جامع الاصول*. ج ١٠. ج ٢. بى جا: مكتبه الحلوانى.
- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم. (١٤٠٦ق.). *منهاج السنه*. ج ٢. ٤. ٧. بى جا: دار جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلاميه العلم للملايين.
- _____ . (١٤٢٧ق.). *درء التعارض العقل والنقل*. ج ١. الرياض: مكتبه الرشد.
- _____ . (١٤٢٦ق.). *مجموع فتاوى*. ج ١. بيروت: مكتبه الرشد.
- _____ . (٢٠٠٢م.). *مقدمه فى اصول التفسير*. رياض: دار المؤيد.
- ابن حنبل، احمد. (١٤١٦ق.). *مسند*. ج ٢. ٣. محقق: أحمد محمد شاكر. قاهره: دار الحديث.
- _____ . (١٤٠٣ق.). *فضائل الصحابه*. ج ٢. بيروت: مؤسسه الرساله.
- ابن دريد، محمد بن حسن. (١٩٨٧م.). *جمهره اللغه*. ج ١. بيروت: دار العلم للملايين.
- ابن صباغ مالكى، على بن محمد. (١٣٧٩). *فصول المهمه فى معرفه الاثمه*. قم: دار الحديث.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بى تا). *التحرير والتنوير*. ج ١٠. بى جا: بى نا.
- ابن عدى جرجانى، ابواحمد عبدالله. (١٤١٨ق.). *الكامل فى ضعفاء الرجال*. ج ٢. بيروت: لكتب العلميه.
- _____ . (١٤٢٢ق.). *تفسير ابن عربى*. ج ٢. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- ابن عساكر، على بن حسين. (١٤١٥ق.). *تاريخ مدينه دمشق*. ج ٤٢. بيروت: دار الفكر.
- ابن عطيه اندلسى. عبدالحق بن غالب. (١٤٢٢ق.). *المحرر الوجيز*. ج ٥. بيروت: دار الكتب العلميه.
- ابن فارس، احمد بن زكريا. (١٤٠٤ق.). *مقائيس اللغه*. ج ٦. ٥. قم: مكتب الاعلام الاسلامى.
- ابن قتيبه دينورى، ابومحمد عبدالله. (١٤١٠ق.). *الامامه والسياسه*. ج ١. بيروت: دار الاضواء.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمرو. (١٤١٩ق.). *تفسير القرآن العظيم*. ج ٧. ٤. بيروت: دار الكتب العلميه.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (١٤١٤ق.). *لسان العرب*. ج ٣. ١. بيروت: دار صادر.
- ابوحيان اندلسى، محمد بن يوسف. (١٤٢٠ق.). *البحر المحيط*. ج ٩. ٥. بيروت: دار الفكر.
- ابونعيم اصفهانى، محمد بن عبدالله. (١٤٠٧ق.). *حليه الاولياء*. ج ٢. بى جا: دار الكتاب العربى.
- _____ . (١٩٣٤م.). *ذكر اخبار اصبهان*. ج ٢. ليدن المحروسه: بريل.

۱۹۶ | فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی | سال چهاردهم | شماره ۵۲ | بهار ۱۴۰۲

امینی، عبدالحسین. (۱۳۹۳). *الغدیر*. ج ۱. ترجمه سید ابراهیم سیدعلوی. تهران: نبأ.
ایچی، عضدالدین عبدالرحمن بن احمد. (۱۴۱۷ق.). *المواقف*. ج ۳. محقق: عبدالرحمن عمیره.
دارالجلیل. بی‌جا.

آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق.). *روح المعانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۱۶ق.). *البرهان*. ج ۳. تهران: بنیاد بعثت.
بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق.). *صحیح*. ج ۴. ۶. محقق: محمد زهیر بن ناصر. دار طوق
النجاه. دمشق.

برقی، احمد بن محمد. *المحاسن*. (بی‌تا). ج ۱. قم: دارالکتب الاسلامیه.
بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق.). *انساب الأشراف*. ج ۴، ۲. بیروت: دارالفکر.
ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق.). *سنن ترمذی*. ج ۵. بیروت: دارالفکر.
تستری، (شوشتری)، مرعشی. (۱۴۰۹ق.). *سیدقاضی نورالله. احقاق الحق*. ج ۳. قم: مکتبه آیه‌الله
المرعشی النجفی

ثعلبی نیشابوری. ابواسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق.). *الکشف و البیان*. ج ۸. بیروت: دار
احیاء التراث العربی.

حاکم حسکانی. عبدالله بن احمد. (بی‌تا). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*؛ ج ۲. مشهد: مؤسسه الطبع
و النشر آستانه الرضویه

حاکم نیشابوری. محمد بن عبدالله. (بی‌تا). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دارالمعرفه.
حسینی طهرانی، محمد حسین. (۱۳۸۶). *رساله مؤدّت*. تهران: علامه طباطبائی.
حسینی میلانی، سیدعلی. (بی‌تا). *الإمامه فی أهمّ الكتب الكلامیه و عقیده الشیعه الإمامیه*. بی‌جا:
منشورات الشریف‌الرضوی.

_____ . (۱۳۹۲). *جواهر الکلام فی معرفه امامه و الامام*؛ ج ۴؛ چاپ اول. قم:
انتشارات الحقایق.

حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۹۸۲م.). *نهج‌الحق*. بیروت: دارالکتب اللبنانی.
خازن بغدادی، علاء‌الدین علی بن محمد. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر خازن*. ج ۴. بیروت: دار الکتب العلمیه.
دروزه، محمدعزت. (۱۳۸۳ق.). *التفسیر الحدیث*. ج ۴. قاهره: دار إحياء الكتب العربیه.
درویش، محیی‌الدین بن احمد. *اعراب القرآن و بیانه*. ج ۴. دارالارشاد. سوریه. ۱۴۱۵ق.

نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودت»؛ شفیعی دارابی و حیدری راد | ۱۹۷

دعاس، حمیدان قاسم. (۱۴۲۵ق.). *اعراب القرآن الکریم*. ج ۲. دمشق: دارالمنیر و دارالفارابی.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *مفردات الفاظ قرآن*. بیروت - دمشق: دارالکلم -
دارالشامیه.

زمخشری، جارالله ابوالقاسم محمود بن عمرو. (۱۴۰۷ق.). *کشاف*. ج ۴. ۲. بیروت: دارالکتاب
العربی.

سقاف، حسن بن علی. (بی تا). *صحیح شرح العقیده الطحاویه*. بیروت: دارالامام الرواس.
سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۴۰۴ق.). *الدر المنثور*. ج ۶. قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
شافعی، محمد بن ادريس. (بی تا). *دیوان الامام الشافعی*. قاهره: بی تا.
شرف الدین عاملی، عبدالحسین. (۱۳۷۷ق.). *فصول المهمه*. قم: بعثت.
شریف لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*. ج ۳. تهران: نشر داد.
شفیعی شاهرودی، محمد حسن. (۱۳۸۶). *گزیده ای جامع از الغدیر*. قم: مؤسسه میراث نبوی.
شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق.). *فتح القدر*. ج ۴. ۲. دار ابن کثیر/دار الکلم الطیب. بیروت:
دمشق.

شیبانی، عمرو بن ابی عاصم الضحاک. (۱۴۰۰هـ.). *السنة*. ج ۲. تحقیق: محمد ناصر الدین الألبانی .
بیروت: المکتب الإسلامی

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان*. ج ۱۶. ۱۸. ج ۹. قم: جامعه مدرسین حوزه.
طبرانی، ابوالقاسم. (۱۴۱۵ق.). *المعجم الکبیر*. ج ۱۱، ۳. قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش.). *مجمع البیان*. ج ۲. ۹. تهران: ناصر خسرو.
طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق.). *الجامع البیان*. ج ۲۵. بیروت: دارالمعرفه.
طبری، محب الدین احمد بن عبدالله. (بی تا). *الریاض النضره فی مناقب العشره*. ج ۱. بیروت:
دارالکتب العلمیه.

_____ . (۱۳۵۶ق.). *ذخائر العقبی*. قاهره: مکتبه القدسی.

طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵ش.). *مجمع البحرین*. ج ۶. ۳. تهران: مرتضوی.
طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. ج ۹. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
عروسی حویزی، (۱۴۱۵ق.). *عبدعلی بن جمعه نور الثقلین*. ج ۲. قم: اسماعیلیان.
عقیلی، عبدالرحمن. (۱۴۳۵ق.). *منهاج السنة المحمدیه فی الرد علی منهاج ابن تیمیه*. ج ۱. کربلا:

الشؤون الفكرية و الثقافية.

عینی، بدرالدین محمود بن أحمد. (بی تا). *عمده القاری شرح صحیح البخاری*. ج ۱۶. بیروت: دار
إحياء التراث العربی.

فخررازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. ج ۲۷. ۱۶. بیروت: دارإحياء التراث
العربی.

فرات الکوفی، ابی القاسم فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق.). *تفسیر فرات*. تهران: وزارت ارشاد.
فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *العین*. ج ۸. قم: نشر هجرت.

فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق.). *مصباح المنیر*. ج ۲. بیروت: دارالهجره.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۷۶ش.). *الجامع الاحکام لآیات القرآن*. ج ۱۶. تهران: ناصر خسرو.

قسطلانی، شهاب الدین احمد بن محمد. (بی تا). *ارشاد الساری*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

قندوزی، سلیمان بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق.). *ینایع الموده لندو القری*. ج ۱. قم: دارالاسوه.

کلینی، محمد یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *اصول کافی*. ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

متقی هندی، علاء الدین. (۱۴۰۹ق.). *علی بن حسام. کنز العمال*. بیروت: مؤسسه الرساله.

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق*. ج ۹. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴ش.). *تفسیر نمونه*. ج ۲۰. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد. (۱۴۱۶ق.). *تفسیر غرائب القرآن*. ج ۶ و ۳. بیروت: دارالکتب
العلمیه.

هیتمی، ابن حجر احمد بن محمد. (۱۴۱۷ق.). *الصواعق المحرقة*. ج ۲. مصر: مکتبه القاہره.

هیثمی، حافظ نورالدین علی بن ابی بکر. (۱۴۰۸ق.). *مجمع الزوائد*. محقق: محمد عبدالقادر

احمد عطاء. ج ۷. ۹. دارالکتب العلمیه. بیروت.

References

Quran. Translated by Makarem Shirazi.

Abuhian Andalusi, Muhammad bin Yusuf. (1999). *the ocean*. V9. 5. Beirut:
Dar al-Fekr. [in Arabic]

Abu Naim Isfahani, Muhammad bin Abdullah. (1986). *Haliya al-Awliya*.
V2. N.P.: Dar al-Kitab al-Arabi.

_____. (1934). *Mention morning news*. V2. Leiden Al-
Maharosa: Braille.

Amini, Abdul Hossein. (2013). *Al Ghadir*. V1. Translated by Seyed Ebrahim

- Seyed Alavi. Tehran: Naba.
- Alousi, Mahmoud. (1994). *Rooh al-Mani*. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [in Arabic]
- Arousi Hoveizi, (1994). *Abdul Ali bin Juma*. Noor al-Saqlain. V2. Qom: Ismailian.
- Aghili, Abdurrahman. (2013). *Minhaj al-Sunnah al-Muhammadiyah in response to Ibn Taymiyyah's minhaj*. V1. Karbala: Intellectual and Cultural Affairs. [in Arabic]
- Bahrani, Seyed Hashem. (1995). *Argument*. V3. Tehran: Be'sat Foundation.
- Bukhari, Muhammad bin Ismail. (2001). *Correct*. V4. 6. Researcher: Mohammad Zuhair bin Nasser. Dar Taq al-Najah. Damascus. [in Arabic]
- Barqi, Ahmad bin Mohammad. (N.D.). *Al-Mahasen*. V1. Qom: Darul Kitab al-Islamiya.
- Belazari, Ahmad bin Yahya. (1996). *Ansab al-Ashraf*. V4.2. Beirut: Dar al-Fekr.
- Dorozeh, Mohammad Ezzat. (2004). *Al-Tafsir al-Hadith* C4. Cairo: Dar Ihya Al-Kutub al-Arabiyyah. [in Arabic]
- Dervish, Muhyiddin bin Ahmad. (1994). *A'rabs al- Qur'an va Bayaneh*. V4. Darul Irshad Syria.
- Da'as, Hamidan Ghasem. (2004). *Arabs of the Holy Quran*. V2. Damascus: Dar al-Munir and Dar al-Farabi. [in Arabic]
- Eini, Badr al-Din Mahmoud bin Ahmad. (N.D.). *Major al-Qari Sahih al-Bukhari*. V. 16. Beirut: Dar Ihya al-Tarath al-Arabi. [in Arabic]
- Eji, Azdad al-Din Abd al-Rahman bin Ahmad. (1996). *Attitudes*. V3. Researcher: Abdul Rahman Umira. Dar Al Jail. N.P.
- Fakhrrazi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar. (1999). *Mofatih al-Ghaib*. C27. 16. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Firat al-Kofi, Abi al-Qasim Firat bin Ibrahim. (1989). *Interpretation of Euphrates*. Tehran: Ministry of Guidance.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1988). *Al-Ain*. V8. Qom: Hegrat.
- Fayoumi, Ahmad bin Muhammad. (1993). *Misbah Al-Munir*. V2. Beirut: Dar al-Hijrah. [in Arabic]
- Ghundozi, Suleiman bin Ibrahim. (2001). *Yanabi' al-Mavada leza al-Qarbi*. V1. Qom: Dar al-Soweh.
- Hitmi, Ibn Hajr Ahmad Ibn Muhammad. (1996). *Al-Sawaiq al-Muharragha*. C2. Egypt: Cairo School. [in Arabic]
- Haythami, Hafez Nuruddin Ali bin Abi Bakr. (1987). *Majma Al Zawaed Researcher: Mohammad Abdul Qadir Ahmad Ata*. V7. 9. Dar al-Kitab al-Alamiya. Beirut. [in Arabic]
- Hakem Haskani, Abdullah bin Ahmad (N.D.). *The evidence of lowering the rules of Al-Tfadil*; V2. Mashhad: Astana Al-Razavieh Al-Tabar and

Publishing Institute.

Hakem Neishaburi. Muhammad bin Abdullah (N.D.). *Al-Mustadrak Ali Al-Sahiheen*. Beirut: Dar al-Marafa. [in Arabic]

Hosseini Tehrani, Mohammad Hossein. (2007). *Treatise of Maudt*. Tehran: Allameh Tabatabai.

Hosseini-Milani, Seyyed Ali. (N.D.). *The imam in the most important books of the kalami and the Shia doctrine of the imam*. N.P.: Al-Sharif al-Redi manifesto.

_____. (2012). *The jewel of speech in the knowledge of imams and imams*; V4; First Edition. Qom: Al-Haqayq Publications.

Heli, Hassan bin Yusuf bin Motahar. (1982). *Nahjul Haq*. Beirut: Dar al-Kitab al-Lebanani. [in Arabic]

Ibn Athir, Abu Sadat Mubarak bin Muhammad. (2010). *Comprehensive*. V10. V2. N.P.: Al-Helwani school. [in Arabic]

Ibn Taymiyyah, Ahmad bin Abdul Halim. (1985). *Minhaj al-Sunnah*. V2. 4. 7. N.P.: Dar Jamia Al-Imam Muhammad Bin Saud Al-Islamiyyah Al-Ilam for the Millions. [in Arabic]

_____. (2006). *Conflict between intellect and transference*. V1. Al-Riyadh: Maktaba Al-Rashad. [in Arabic]

_____. (2005). *Total fatwa*. V1. Beirut: Al-Rashd High School. [in Arabic]

_____. (2002). *Introduction to the principles of tafsir*. Riyadh: Dar al-Muayed. [in Arabic]

Ibn Hanbal, Ahmad. (1995). *Musnad*. V2. 3. Researcher: Ahmed Mohammad Shaker. Cairo: Dar al-Hadith. [in Arabic]

_____. (1982). *Virtues of Companions* C2. Beirut: Al-Rasalah Institute.

Ibn Darid, Muhammad bin Hassan. (1987). *Jamrah Al-Lagheh*. V1. Beirut: Dar-ul-Alam Lamlayin. [in Arabic]

Ibn Sabbagh Maliki, Ali Ibn Muhammad. (2000). *The important chapters in the knowledge of the signs*. Qom: Dar al-Hadith.

Ibn Ashur, Muhammad Ibn Tahir. (N.D.). *Tahrir va al-Tanvir*. V10. N.P.

Ibn Adi Jarjani, Abu Ahmad Abdullah. (1997). *Perfection in weak men*. V. 2. A. Beirut: Laktab al-Alamiya. [in Arabic]

_____. (2001). *Ibn Arabi's commentary*. V2. . Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]

Ibn Asaker, Ali Ibn Hossein. (1994). *History of Medina Damascus*. V42. Beirut: Dar al-Fekr. [in Arabic]

Ibn Atiyah Andalusi. Abdul Haq bin Ghalib. (2001). *Muharralogiz*. V5. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [in Arabic]

Ibn Fars, Ahmad Ibn Zakaria. (1983). *Comparatives* C6. 5. Qom: Al-Alam Islamic School.

Ibn Qutaiba Dinuri, Abu Muhammad Abdullah. (1989). *Al-Imamah and Al-*

- Siyaseh*. V1. Beirut: Dar al-Azwa. [in Arabic]
- Ibn Kathir, Ismail bin Amr. (1998). *Tafsir al-Qur'an al-Atim*. V7. 4. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [in Arabic]
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. (1993). *Arabic language* V3. 1. Beirut: Dar Sader. [in Arabic]
- Khazan Baghdadi, Aladdin Ali bin Muhammad. (1994). *Interpretation of the capacitor*. V4. Beirut: Dar al-Kutub Al-Alamiya. [in Arabic]
- Kulayni, Mohammad Yaqoub. (1986). *Usul al-Kafi*. V1. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
- Motaghin Hendi, Ala'eddin. (1989). *Ali bin Hossam*. Kenz al-Amal. Beirut: Al-Rasalah Institute. [in Arabic]
- Mustafavi, Hassan. (1981). *Research*. V9. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Makarem Shirazi, Naser et al. (1995). *Sample interpretation*. V20. Tehran: Darul Kitab al-Islamiyah.
- Neishaburi, Nizamuddin Hasan bin Mohammad. (1995). *Interpretation of the wonders of the Qur'an*. C6 and 3. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamieh. [in Arabic]
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad. (1997). *Al-Jaami al-Ahkam for the verses of the Qur'an*. V16. Tehran: Nasser Khosro.
- Qestalani, Shahabuddin Ahmed bin Mohammad. (N.D.). *Ershad al-Sari*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1991). *Vocabulary of Quranic words*. Beirut-Damascus: Dar al-Qalam-Dar al-Shamiya.
- Saqaf, Hassan bin Ali. (N.D.). *Sahih description of al-Tahawiyiyah belief*. Beirut: Dar al-Imam al-Rawas. [in Arabic]
- Siyuti, Jalaluddin Abdul Rahman. (1983). *Al-Dur al-Manthor* C6. Qom: Marashi Najafi Library.
- Shafi'i, Mohammad bin Idris. (N.D.). *Diwan al-Imam al-Shafi'i*. Cairo: Bina. [in Arabic]
- Sharafuddin Ameli, Abdul Hossein. (1998). *important seasons*. Qom: Be'sat.
- Sharif Lahiji, Mohammad Bin Ali. (1994). *Commentary of Sharif Lahiji*. C3. Tehran: Dad Publications.
- Shafi'ei Shahrudi, Mohammad Hasan. (2007). *A comprehensive selection from Al-Ghadir*. Qom: Institute of Prophetic Heritage.
- Shukani, Muhammad bin Ali. (1993). *Fatah al-Qadir*. V4. 2. Dar Ibn Kathir/Dar al-Kalam al-Tayyib. Beirut: Damascus. [in Arabic]
- Sheibani, Amr bin Abi Asim al-Dahhak. (1979). *Sunnah*. V2. Research: Mohammad Naseruddin Al-Albani. Beirut: Al-Maktab al-Islami. [in Arabic]
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. (1996). *Almizan*. V16. 18. V9. Qom: Society of Teachers of Hawzah.

- Tabarani, Abulqasem. (1994). *Al-Mu'jam Al-Kabir* c 3.11. Cairo: Ibn Taymiyyah School. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1993). *Al Bayan Assembly*. V2. 9. Tehran: Nasser Khosro.
- Tabari, Abu Jaafar Muhammad bin Jarir. (1991). *Al Jame Al Bayan*. V25. Beirut: Dar al-Marafa. [in Arabic]
- Tabari, Mohibuddin Ahmed bin Abdullah. (N.D.). *Al-Riyadh al-Nadrah in Manaqib al-Ashrah*. V1. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [in Arabic]
- _____. (1997). *Al-Aqhabi reservoirs*. Cairo: Al-Qudsi School. [in Arabic]
- Tarihi, Fakhreddin. (1996). *Bahrain Assembly* C6. 3. Tehran: Mortazavi.
- Tusi, Muhammad bin Hassan. (N.D.). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an*. V9. Beirut: Dar Ahya al-Trath al-Arabi. [in Arabic]
- Tirmidhi, Muhammad bin Isa. (1982). *Sunan Tirmidhi*. V5. Beirut: Dar al-Fekr.
- Testri, (Sushtri), Marashi. (1988). *Seyed Qazi Noorullah. Ehqaq al-Haq*. V3. Qom: Ayatollah al-Marashi Al-Najafi School
- Taalbi Nishabori Abu Ishaq Ahmad bin Ibrahim. (2001). *Al-Kashf and Al-Bayan*. V8. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Zamakhshari, Jarallah Abu al-Qasim Mahmud bin Amr. (1407 A.H.). *discoverer* C4. 2. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [in Arabic]

استناد به این مقاله: شفیعی دارابی، سیدحسین، حیدری‌راد، طیبه. (۱۴۰۲). نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودت»، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۱۴(۵۲)، ۱۶۹-۲۰۲.

DOI: 10.22054/rjqk.2023.72178.2761



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.